

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بخشی از مصاحبه گابریل راکهیل با ژائو دینگ شی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۷ دسمبر ۲۰۲۳

تبلیغات امپریالیسم و ایدئولوژی روشنفکران چپ غرب: نقد سیاست هویتی



گابریل راکهیل سرپرست آتلیه تئوری انتقادی (Atelier de Théorie Critique) و استاد فلسفه در دانشگاه ویلانو در پنسیلوانیا است. در حال حاضر او در حال تکمیل پنجمین کتاب خود، «جنگ جهانی روشنفکری: مارکسیسم در برابر صنعت تئوری امپراتوری» است (که بزودی توسط انتشارات مانتلی ریویو منتشر خواهد شد). ژائو دینگ شی، استادیار محقق در مؤسسه مارکسیسم، آکادمی علوم اجتماعی چین و سردبیر «مطالعات سوسیالیستی در جهان» است. این مصاحبه در اصل به زبان چینی در جلد یازدهم مطالعات سوسیالیستی در جهان، در سال ۲۰۲۳ منتشر، و برای بازانتشار در نشریه مانتلی ریویو، ویرایش شده است.

در ادامه بخشی از این مصاحبه را که به نقد سیاست هویتی اختصاص دارد می‌خوانید:

ژائو دینگ شی: از نقش و کارکرد سیاست هویتی و چند فرهنگی که در حال حاضر در میان چپ غربی رواج دارد، چه برداشتی دارید؟

گابریل راکهیل: سیاست هویتی، همانند چندفرهنگگرایی وابسته به آن، تجلی معاصر فرهنگگرایی و ذاتگرایی است که از دیرباز سرشت نشان ایدئولوژی بورژوائی بوده است. این دومی در صدد طبیعی شمردن آن روابط اجتماعی و اقتصادی است که پیامد تاریخ مادی سرمایه‌داری است. به عنوان مثال، به جای پذیرش این که هویت‌های نژادی، ملی، قومی، جنسیتی، جنسی و دیگر اشکال هویت ساختارهایی تاریخی هستند که در طول زمان تغییر کرده‌اند و ناشی از

نیروهای مادی خاص هستند، آن‌ها به‌عنوان بنیادهائی غیرقابل انکار برای حوزه‌های سیاسی تلقی می‌شوند. این‌چنین ذات‌گرایی در خدمت پنهان کردن نیروهای مادی فعال در پشت این هویت‌ها و همچنین مبارزات طبقاتی است که پیرامون آنها شکل گرفته است. این امر به‌ویژه برای طبقه حاکم و رهبرانش مفید بوده است. برای واکنشی که آنها به‌اجبار باید در مقابل خواسته‌های ماتریالیستی استعمارزدائی و مبارزات ضدنژادپرستانه و ضدمردسالارانه نشان دهند، چه پاسخی بهتر از یک سیاست هویتی ذات‌گرایانه که راه‌های حل نادرستی برای مشکلات بسیار واقعی عرضه می‌کند، و هرگز به اساس مادی استعمار، نژادپرستی، و ستم جنسیتی نمی‌پردازد؟

روایت‌هایی از سیاست هویتی، که مدعی ضدیت با ذات‌گرایی هستند و در آثار نظریه‌پردازانی مانند جودیت باتلر مطرح شده‌اند، نیز از این ایدئولوژی به‌طور کامل رها نشده‌اند. آن‌ها با ادعای ساختارشکنی، برخی از این مقولات را به‌عنوان سازه‌هایی گفتمانی معرفی می‌کنند که افراد یا گروه‌هایی از افراد می‌توانند آن‌ها را به‌کار گیرند، مورد پرسش قرار دهند، با آنها بازی کنند، یا در نقشی دیگر از آن‌ها استفاده نمایند. نظریه‌پردازی که در درون چارچوب ایده‌آلیستی ساختارشکنی فعالیت می‌کنند هرگز تحلیلی ماتریالیستی و دیالکتیکی از تاریخ روابط اجتماعی سرمایه‌داری ارائه نمی‌دهند؛ همان روابطی که این مقولات را به‌عنوان عرصه‌های اصلی مبارزه طبقاتی جمعی تولید کرده است. آنها همچنین به تاریخ عمیق مبارزه جمعی سوسیالیسم واقعاً موجود برای تغییر این روابط بی‌توجه‌اند. در عوض، آنها تمایل دارند که با دیدی ساختارشکنانه و نسخه عملاً تاریخ‌زدائی‌شده‌ای از تبارشناسی فوکو، به جنسیت و روابط جنسی به صورت گفتمانی ببینیشند و در بهترین حالت به‌سمت یک کثرت‌گرایی لیبرالی گرایش پیدا کنند که در آن حمایت از گروه‌های ذینفع جایگزین مبارزه طبقاتی می‌شود.

در مقابل — همان‌طور که دومینیکو لوسوردو در اثر برجسته خود «مبارزه طبقاتی» نشان داده است — سنت مارکسیستی تاریخچه‌ای عمیق و غنی از درک مبارزه طبقاتی به‌عنوان مقوله‌ای جمعی دارد. این بدان معنی است که [این مبارزه] شامل جدال‌هایی در روابط میان دو جنس، میان ملت‌ها، نژادها و طبقات اقتصادی (و می‌توان اضافه کرد، میان جنسیت‌ها) است. از آنجا که این مقوله‌ها در نظام سرمایه‌داری شکل‌های سلسله‌مراتبی بسیار ویژه‌ای به‌خود گرفته‌اند، بهترین مؤلفه‌های میراث مارکسیستی، در عین تلاش برای درک منشأ تاریخی آن‌ها، به‌طور بنیادی آن‌ها را دگرگون می‌کنند. این را می‌توان در مبارزه درازمدت علیه برده‌داری خانگی تحمیل‌شده بر زنان و همچنین نبرد برای غلبه بر انقیاد امپریالیستی کشورها و مردم آن‌ها که زیر تحقیرنژادی هستند، مشاهده کرد. این تاریخ خود را از همان ابتداء و در مناسبت‌ها نشان داده است، هرچند هنوز باید کار بسیاری در این موارد انجام شود، زیرا برخی از شاخه‌های مارکسیسم — همچون انترناسیونال دوم — به عناصر ایدئولوژی بورژوازی آلوده شده‌اند. با وجود این، همان‌طور که محققانی مانند لوسوردو و دیگران با دانشی گسترده نشان داده‌اند، کمونیست‌ها با پرداختن به ریشه اصلی این مشکلات، یعنی روابط اجتماعی سرمایه‌داری، پیش‌تاز مبارزات طبقاتی برای غلبه بر سلطه پدرسالارانه، انقیاد امپریالیستی، و نژادپرستی بوده‌اند.

سیاست هویتی، به‌صورتی که در کشورهای پیشرفته امپریالیستی و به‌ویژه ایالات متحده انکشاف یافته است سعی دارد این تاریخ را نادیده گرفته و خود را به‌عنوان شکل کاملاً جدیدی از آگاهی عرضه کند؛ گوئی که کمونیست‌ها به‌قدر کافی به مسایل زنان، و مسایل ملی/نژادی نپرداخته‌اند. نظریه‌پردازان سیاست‌های هویتی، با تبختر و کوته‌فکری مدعی‌اند که اولین کسانی هستند که به این مسائل پرداخته‌اند، و از این طریق بر به‌اصطلاح تقلیل‌گرایی مبتذل مارکسیست‌ها، و بر اعتقاد به یک جبر اقتصادی خیالی غلبه می‌کنند. علاوه بر این، آنها تمایل دارند با سیاست هویتی، در میان دیدگاه‌های سیاسی طبقاتی شکاف ایجاد نمایند. آنها اگر در تحلیل خود به‌منظور کردن طبقه اشاره‌ای هم داشته باشند، عموماً به‌جای

نسبت دادن آن به یک رابطه ساختاری مالکیت، آن را به مسأله هویت شخصی تقلیل می‌دهند. در نتیجه راه‌های حلی که ارائه می‌دهند به پدیده‌های ثانوی می‌پردازد؛ یعنی به‌جای تجویز دگرگونی سوسیالیستی نظم اجتماعی - اقتصادی به‌منظور چیرگی بر روابط کاری برده‌داری خانگی و آبراستنار نژادی، بر مسائل نمایندگی و نمادگرایی تمرکز می‌کنند. در نتیجه، آنها قادر به ایجاد تغییرات مهم و پایدار نیستند، زیرا که به ریشه مشکل نمی‌پردازند. همان‌طور که «آدولف رید جونیور» اغلب با طنز گزنده‌اش استدلال می‌کند، هویت‌گرایان از حفظ روابط طبقاتی موجود - از جمله روابط امپریالیستی میان ملت‌ها - به شرطی که نسبت لازم برای نمایندگی گروه‌های تحت‌ستم در میان طبقه حاکم و قشر حرفه‌ای مدیریت وجود داشته باشد، کاملاً خوشنود هستند.

سیاست هویتی علاوه بر کمک به حذف سیاست و تحلیل طبقاتی در درون چپ غربی، سهم عمده‌ای در ایجاد تفرقه در میان خود چپ از طریق طرح بحث‌های بی‌پایان پیرامون مسائل هویتی خاص داشته است. به‌جای ایجاد اتحاد طبقاتی میان کارگران و زحمت‌کشان در برابر دشمن مشترک، با سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، در ابتداء و قبل از هر چیز آنها را به تعیین هویت خود از طریق انتساب به گروه‌های مذهبی، نژادی، قومی، جنسیتی، جنسی، و غیره تشویق می‌کنند. از این نظر، ایدئولوژی سیاست هویتی در واقع در سطحی عمیق‌تر سیاسی طبقاتی است. این سیاست بورژوازی است که هدفش تفرقه انداختن میان مردم زحمت‌کش و تحت‌ستم جهان است تا راحت‌تر بر آنها حکومت کند. بنابراین، چه جای تعجب است که این سیاست، به سیاست حاکم بر طبقه مدیریت حرفه‌ای در هسته امپراتوری بدل شود، و بر مؤسسات و رسانه‌های اطلاعاتی آن تسلط یابد. در محیطی که «رید» با تیزبینی آن را «صنعت تنوع» می‌نامد، همه افراد تشویق می‌شوند که به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های اصلی برای پیشرفت شغلی، خود را با گروه خاص خود معرفی کنند و با عرضه خود به‌عنوان نماینده ممتاز این گروه، منافع فردی خود را ارتقاء دهند. علاوه بر این، باید توجه داشت که وُکیسم (جنبش بیداری) نیز این تأثیر را دارد که برخی افراد را به آغوش راست سوق می‌دهد. اگر فرهنگ سیاسی مسلط ذهنیت قبیله‌ای همراه با فردگرایی رقابتی را تشویق می‌کند، پس جای تعجب نیست که افراد سفیدپوست و مردان نیز - به‌عنوان پاسخی مغرضانه به محرومیت تصویری خود توسط صنعت تنوع - خواسته‌های خاص خود را با چهره «قربانیان» نظام دنبال کنند. سیاست هویتی فاقد تحلیل طبقاتی بی‌شک می‌تواند زیر نفوذ تمایلات دست‌راستی و حتی فاشیستی قرار گیرد.

در نهایت، باید یادآور شوم که ریشه‌های ایدئولوژیک نوین سیاست هویتی، چپ نو و شوینیسیم اجتماعی است؛ همان شوینیسیم اجتماعی که یکی از ابزارهای اساسی ایدئولوژیک امپریالیسم است که از همان ابتداء توسط «وی. ای. لنین» در چپ اروپایی تشخیص داده شده بود. ستراتیژی آشنای تفرقه بینداز و حکومت کن، که با هدف تجزیه کشورهای زیر تهاجم از طریق تحریک درگیری‌های مذهبی، قومی، ملی، نژادی یا جنسیتی به‌کار گرفته می‌شود. ادعای حمایت از آزادی زنان در افغانستان؛ پشتیبانی از خوانندگان رپ سیاه‌پوست «مورد تبعیض» در کوبا؛ حمایت از نامزدهای بومی به‌اصطلاح «اکوسوسیالیست» در امریکای لاتین؛ «حمایت» از اقلیت‌های قومی در چین؛ یا دیگر اقدامات تبلیغی شناخته شده‌ای که از طریق آن‌ها امپراتوری ایالات متحده خود را نیکوکار و خیرخواه هویت‌های سرکوب‌شده معرفی می‌کند، همگی کمپین‌هایی هستند برای بی‌ثبات‌سازی کشورها. در این موارد به‌وضوح می‌توان گسست کامل بین سیاست صرفاً نمادین هویتی و واقعیت مادی مبارزات طبقاتی را مشاهده کرد. تا اینجا، کارکرد این سیاست تأمین پوششی نازک برای امپریالیسم بوده و هست، و در همین سطح نیز سیاست هویتی، در نهایت سیاسی طبقاتی و سیاستی در خدمت طبقه امپریالیست حاکم است.

منبع: نشریه ماننلی ریویو، اول دسمبر ۲۰۲۳